مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهارم، شماره‌ی شانزدهم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۰ـ۱

کاربرد تاریخی فرامین شاهان صفوی در باب ارامنه

نصراله پورمحمدی املشی*

چکیده

اسناد و مکاتبات زیادی در دوره‌ی صفوی تحریر و تدوین شده است؛ در این راستا فرامین حکومتی، که در باب ارامنه صادر شده و به «فرامین فارسی ماتناداران» مشهور است، از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای پژوهشگر تاریخ صفویه گره‌گشا باشد. گرچه این فرامین در باب چگونگی اداره‌ی اقلیت ارامنه در ایران صادر شده‌اند، اما ابعاد مختلف زندگی ایشان را شامل می‌شود و جهت‌گیری حکومت صفویه در ابعاد مختلف را نشان می‌دهد. بدون تردید، مطالعه این فرامین و اسناد برای ارائه تصویر کامل‌تر و دقیق‌تر روح سیاسی ـ اجتماعی حاکم بر جامعه عصر صفوی لازم و ضروری می‌باشد. مضاف بر این‌که رصد کردن سیاست مذهبی حکومت صفویه در باب اتباع غیر مسلمان، شفاف‌تر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: فرامین، ارامنه، شاهان صفوی، ماتناداران.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (ره). (poor_amlashi@yahoo.com)
تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۲۲ ـ تاریخ تائید: ۹۲/۰۸/۰۷.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

مقدمه

اگر چه دولت صفویه، ریشه ایلیاتی دارد و مانند حکومت‌های پیش و پس از خود، با عصیان و شورش طوائف و قبایل کوچ‌رو برآمده بود ـ امری که در تاریخ ایران تا عصر مشروطه معمول و مرسوم بوده است ـ اما ویژگی‌های مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منحصر به خود را دارد، که نه تنها کارکردهای متفاوتی از جنبه‌های فوق برجای گذاشته، بلکه سبب شده است نقطه عطفی در تاریخ ایران به‌شمار آید؛ و در مطالعات تاریخ سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی ایران بسیار حائز اهمیت باشد. زیرا به‌رغم مشابهت‌ها و همانندی‌ها، از نظر فرایند شکل‌گیری حکومت‌های سلسله‌ای، تفاوت‌هایی با دوره‌های دیگر تاریخ ایران دوره ی اسلامی دارد و به لحاظ جهت‌گیری مذهبی، رسمیت بخشیدن مذهب تشیع و ورود به مناسبات سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان، نقطه آغازی بود. به‌گونه ایی‌که مناسبات و مراودات عصر صفوی به عنوان یک اساس و عرف مرسوم و مقبول برای جامعه ایران تلقی شد و مبانی بسیاری از مناسبات داخلی و خارجی ایران را در عرصه‌های متفاوت تشکیل داد. از این‌رو، فرامین دولتی یا حکومتی که درباره ارمنی‌ها صادر شده است از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای پژوهشگر تاریخ صفویه کاربرد داشته باشند.

از جمله اسناد خطی «موسسه ماشتوس و نسخ خطی قدیمی»؛ احکام و فرامین فارسی است، که سیمون یروانتس[1] خلیفه اچمیازین در قرن هیجدهم در کتابخانه «هولی سی»،[2] این مدارک را مورد مطالعه قرار داد و آنها را بر اساس موقعیت و حقوق کلیسای اچمیازین در کتاب خود؛ جمبر[3] طبقه‌بندی کرد. سپس در قرن نوزدهم، زمانی که تعدادی از دانشمندان ارمنی به صورت گسترده، مدارک ایرانی را برای مطالعه‌ی تاریخ ارمنستان مورد استفاده قرار دادند و ترجمه ارمنی آنها را در آثار خود منتشر کردند؛ اسناد و مدارک ایرانی مجددا مورد توجه قرار گرفت. کار اصلی در این میان، توسط اچ. پاپازیان[4] انجام گرفت. وی با مطالعه‌ی مدارک تاریخی ایرانی، عثمانی و عربی ماتناداران نتایج تحقیقات خود را

1. Simeon Yerevants
2. Holy See
3. Jambar
4. H. Papazian

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

در مجموعه‌ی فرامین و احکام سیاسی ایران، تحت عنوان *فرامین فارسی ماتناداران* منتشر کرد.[۱] محقق دیگر، کی. پی. کستیکیان[۲] است که در ادامه فعالیت پاپازیان، دو جلد دیگر از این فرامین را چاپ و منتشر کرده است. سه جلد از مجموعه‌ی منتشر شده *فرامین فارسی ماتناداران*، در ارتباط با عهد صفوی است.

جلد اول؛ فرامین عصر شاه اسماعیل اول تا شاه محمد خدابنده را در بردارد. اولین فرمان موسس سلسله صفویه، مربوط به سال ۹۰۸ق./۱۵۰۳م. است. تسریع نظارت شاه اسماعیل بر امور جامعه ارمنی، زمانی بهتر قابل درک است که ادعای رعایای ارمنی نیز مورد توجه قرار گیرد. چرا که محققان ارمنی گزارش داده‌اند؛ وقتی شاه اسماعیل توسط شاهزادگان آق‌قویونلو و شیروانشاهیان مورد تعقیب بود، این بازرگانان ارمنی بودند که او را به «آختا مار» بردند و در نزد روحانیان آنجا پنهان کردند.[۳]

جلد دوم؛ فرامین و احکام دوره فرمانروایی شاه عباس اول تا اواسط حکومت شاه عباس دوم را شامل می‌شود. آخرین فرمان شاه عباس دوم به تاریخ ۱۰۶۰ق./۱۶۵۰م. بر می‌گردد. فرامین جلد سوم، مربوط به نیمه دوم عصر شاه عباس دوم تا شاه طهماسب دوم است و آخرین فرمان شاه طهماسب دوم به سال ۱۱۳۹ق. مربوط می‌شود. اگر چه این فرامین، در باب چگونگی اداره امور اقلیت ارمنی در ایران صادر شده‌اند، اما ابعاد مختلف زندگی ارمنی‌ها را شامل می‌شوند و جهت‌گیری حکومت صفویه را نشان می‌دهند. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است: چه ویژگی‌هایی سبب شده است که متن فرامین فارسی در تحقیقات صفویه‌شناسی، بسیار مهم و ضروری بشمار آیند؟

---

۱. محمدباقر آرام، «*فرامین فارسی ماتنا داران (بخشی از اسناد صفویان در مورد ارمنستان)*» فصلنامه علمی ـ پژوهشی تاریخ، س۱، ش۳، ۱۳۸۵، ص۱۰.

2. K. P. Kostikyan

۳. واهان، بایبوردیان، (۱۳۷۵)، *نقش ارامنه ایرانی در تجارت بین المللی تا پایان سده ۱۷م*، ترجمه گرمانیک، تهران: ناشر مولف، ص۲۱؛ آنجللو، (۱۳۸۱)، *سفرنامه ونیزیان*، ترجمه منوچهر امیری ، تهران: خوارزمی، ص۳۲۵؛ اگرچه موضوع فقط یک گزارش است که محققان ارمنی و سفرنامه ونیزیان به آن اشاره می‌کنند ولی پذیرش آن نیز منافاتی با بزرگ شدن در دربار آل کیا ندارد، زیرا گزارش آنان نیز نشان می دهد که شاه اسماعیل، قبل از اقامت در اردبیل و لاهیجان برای مدتی کوتاه در آنجا بسر برده است.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

چنان‌که گفته شد تاکنون چهار جلد از *فرامین فارسی ماتناداران* چاپ و منتشر شده است. این مجموعه چهار جلدی، توسط دو محقق و پژوهشگر بازخوانی و بازنویسی شده است. دو جلد اول، توسط پاپازیان چاپ و منتشر شده است؛ در این دو جلد علاوه بر مقدمه اسناد، فرامین را به زبان ارمنی و روسی نیز برگردانده است. جلد سوم و چهارم، به کوشش کی. پی. کستیکیان بازنویسی شده است. این دو جلد نه تنها به زبان ارمنی و انگلیسی ترجمه شده است، بلکه درباره ی کلمات و اصطلاحات این فرامین، توضیح کوتاهی در مقدمه ارائه شده است. در باب پیشینه تحقیق، و معرفی این مجموعه پیش از این مقاله‌ی ترکیبی (تالیف و ترجمه) از محمدباقر آرام در فصلنامه علمی ـ پژوهشی تاریخ دانشگاه آزاد محلات چاپ و منتشر شده است. به نظر می‌رسد ذکر این نکته خالی از لطف نباشد، و آن معرفی روسی ۲۲۰ صفحه جلد سوم کتاب است که به زبان و خط ارمنی آمده و در توضیح آن می‌نویسد: «نحوه چاپ اثر می‌رساند که آن را برای استفاده محققین مسلط به زبان‌های روسی، انگلیسی و فارسی آماده کرده‌اند».[1] این در حالی است که کستیکیان در مقدمه جلد سوم، به این نوآوری خود اشاره کرده است، که بر خلاف پاپازیان به جای ترجمه روسی، متن فرامین را به زبان انگلیسی برگردانده است.[2] علاوه بر این‌ها در جلد اول، سواد فرمانی از پیامبر اکرم با عبارت «فرمانی از حضرت محمد صلی‌الله علیه» آمده است که اثبات صحت آن حرف و حدیث فراوان دارد.

مقاله‌ای نیز به قلم نصراله پورمحمدی، در مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا چاپ و منتشر شده است. این مقاله، در توضیح جلد چهارم می‌باشد. از آنجایی‌که هدف از پژوهش این مقاله، فرامین عصر صفوی است از توضیح و تبیین جلد چهارم در اینجا خودداری می‌شود.[3]

---

۱. «*فرامین فارسی ماتنا داران (بخشی از اسناد صفویان در مورد ارمنستان)*»، ص۹.

۲. کستیکیان، ک. پ. (۲۰۰۵)، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ایروان: نائیری، ص۲۲۴.

۳. برای مطالعه بیشتر نک: پورمحمدی املشی، نصراله، «*ارمنستان از فراز اسناد*»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س۵، ش۱۳۷، ۱۳۸۸، ص۸۱ـ۷۹

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

طبقه‌بندی موضوعی فرامین فارسی ماتناداران

کاربرد تاریخی این فرامین، در ابعاد مختلف قابل بحث و بررسی است. بدون تردید طبقه‌بندی موضوعی اسناد و فرامین این مجموعه، برای مطالعه و استفاده پژوهگپشگران تاریخ، به‌ویژه تاریخ ایران و جامعه ارمنی در عصر صفویه بسیار مفید و موثر خواهد بود. اگر چه برخی از عناوین فرعی، دو وجهی یا چند وجهی هستند و تفکیک واضح و روشن آنها نیازمند تقسیم‌بندی مبسوط‌تری است، که در این مقاله مجال آن نیست، ولی با این وجود تلاش شده است تا کلیات طبقه‌بندی موضوعی در این پژوهش، رعایت شود:

الف ـ سیاسی:

چنان‌که از عناوین و محتوای فرامین بر می‌آید، علت و زمینه صدور این اسناد، سیاسی و قدرت سیاسی بوده است. بنابراین دور از ذهن نخواهد بود که مفاد و مضامین این اسناد بیشتر در راستای حکومت و اداره امور سیاسی شکل گرفته باشد. از این‌رو، مناسبات سیاسی را می‌توان در این فرمان‌ها، از جنبه‌های متفاوت رصد کرد؛ از جمله:

۱ـ ادبیات سیاسی جامعه ارمنی: در موارد بسیاری در متن فرامین، درخواست جامعه ارمنی، به‌ویژه خلیفه اوچ کلیسا، بصورت مکتوب ذکر شده است و فرمان شاه در بالای فرمان آمده است؛ ضمن این‌که فتوای علما یا صدر نیز در ادامه ی درخواست اقلیت ارمنی دیده می‌شود. بدین ترتیب، نوع ادبیات سیاسی جامعه‌ی ارمنی بصورت مستقیم در این نامه‌ها آمده و حکایت از انتخاب واژگان و چینش جملاتی دارد که در ادبیات سیاسی ایرانیان مسلمان عصر صفوی، دیده می‌شود. نمونه‌ای از این ادبیات را از درخواست فیلقوس خلیفه اوچ کلیسا در فرمان ۱۶۰ / ۱۶۵۰ شاه عباس دوم می‌توان دید: «...جمعی که الحال در این ولایت سکنی دارند بنا بر الطاف و شفقت و مرحمت بیغایت پادشاهانه از ولایات بتدریج آمده‌اند و سیصد نفر دعاگوی نواب اشرف ارفع همایون که جان صدهزار چون ما دعاگویان فدای سم سمند مبارکش باد در اوچ کلیسا شب و روز بدعاگویی مشغولند و زندگانی ایشان بهمه ابواب از صدقه فرق مبارک ارفع همایون اعلی است...»[۱]

---

۱. پاپازیان، (۱۹۵۹)، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، آکادمی علوم ارمنستان، ایروان: نائیری، ص۵۵۲ـ۵۵۱.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

۲ـ مصلحت اندیشی سیاسی خلیفه: به نظر می‌رسد گروهی و احتمالا اشراف و اعیان، خلیفه اوچ کلیسا را متهم به همکاری و همراهی با پاشای عثمانی کرده بودند. خلیفه در ادامه در بخشی از نامه خود برای شاه صفوی، به دفاع از عملکرد خود می‌پردازد و می‌نویسد: «چنانکه در فتور خندکار نابکار جمعی از مردم اعیان که پیوسته بنوازشات و انعامات بیکران در میانه امثال و اقران سرافراز بوده طریق عصیان و خلاف پیش گرفته بجانب روم رفته بمرتضی پاشا گفتند که جماعت نخجوان و اردوباد بنابر آنکه شیعه و صوفی و یکرنگ پادشاهان سلسله صفویه‌اند بسلام تو نیامده‌اند مرتضی پاشاه بنا بر سخنان ایشان چند هزار کس مقرر نمود که نخجوان و اردوباد را تاخت و تاراج نمایند بنده کمترین بنا بر مصلحت وقت مبلغ دویست تومان بمرتضی پاشاه داده و باین وسیله دفع شر او نموده و نگذاشت که یک خانه از ارامنه متفرق شده به محل دیگر روند».[۱]

۳ـ فرامین مبتنی بر احکام پیشین: برخی شواهد تاریخی در فرامین وجود دارد، که نشان می‌دهد دفاتر صفوی نظمی مربوط و منظم داشته است، احکام و فرامین بر مبنای فرامین پیشین و عرف رایج تحریر و تقریر می‌یافت. از فرمان شاه سلطان حسین به سال ۱۱۰۸ق. چنین بر می‌آید که این فرمان بر مبنای احکام سال‌های ۱۰۰۸، ۱۰۷۹، ۱۰۹۳، ۱۱۰۴ق. تدوین و صادر شده است. با دقت در این فرمان و فرامین دیگر، به‌درستی می‌توان به اهمیت نگهداری اسناد در دیوان دولتی و نظم و نسقی پی برد که بر فرایند حفظ و کارکرد آن احکام، حاکم بوده است.[۲] تسلسل فرامین و موقوفات گاهی تا ۸۵۴ ق. به عقب بر می‌گردد.[۳]

۴ـ تعامل بیگلربیگی با خلیفه ارمنی: تأمین امنیت سیاسی و اجتماعی خلیفه ارمنی در هر عهد، بر عهده بیگلربیگی بوده و در فرامین صادر شده برای معرفی و تأیید خلیفه جدید آمده است که تامین امنیت خلیفه بر عهده بیگلربیگی یا نایب او است تا اجازه ندهد کسی

---

۱. همان، ص۵۵۲.

۲. کستیکیان، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ص۶۰۸، ۶۰۶ ـ ۶۰۵.

۳. همان، ص۵۲۹.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

در امور خلیفه ارمنی، دخالتی داشته باشد و در مواردی نیز اشاره شده است که نگذارند «از جماعت داروغگان ستم و زیادتی به مشارالیه و متعلقان او که در آن محل مـی‌باشـد واقـع گردد.»[۱]

۵ـ تأیید خلیفه اوچ کلیسا: آگاهی‌های بدست آمده از متن فرامین، نشان می‌دهـد از همـان دوران تشکیل و تثبیت عصر صفوی، نه تنها به رعایای ارمنی تأکید شده بود تا از کشـیش مورد تأیید حکومت، اطاعت و تبعیت کنند، بلکه به عمال و کارگزاران سیاسـی، مـذهبی و اقتصادی منطقه ابلاغ شده بود تا برای کشیش مزبور، مزاحمت ایجـاد نکننـد.[۲]خلیفـه اوچ کلیسا غالباً توسط جامعه اقلیت ارمنی انتخاب می‌شد و شاه صفوی نیز طی حکمی ریاست و سرپرستی او بر کلیساهای ارمنی و جامعه ارمنی را به رسمیت می‌شناخت؛[۳] ضمن این‌کـه در مواردی نیز برای جلب نظر شاه و گرفتن تأیید او، از کشیشان و سیاه کلاهان و بزرگان ارمنی با خط و مهر، گواهی لیاقت و شایستگی خویش را برای ریاست دریافت می‌کردند و به سمع و نظر شاه می‌رساندند.[۴] این در حالی است که گاهی جابجایی خلیفه از شخصی بـه شخص دیگر نیز سبب اختلاف آراء در جامعه ارمنی می‌شـد. تعـدادی از فـرامین در بـاب تأیید همین خلفا یا ورّاث آنها به خلیفگـی کلیسـا یـا کلیسـاهای منـاطق مختلـف دیـده می‌شود.[۵] فرامین نشان می‌دهند برخی اوقات، خلفای ارمنی در مقابل تأیید و تأکید پذیرش ریاست آنان بر جامعه ارمنی، می‌پذیرفتند هر ساله، مبلغی را به عنوان پیشـکش پرداخـت کنند. چنان‌که خلیفه «ملک سیت»، طبـق فرمـان ۱۰۲۶ق. /۱۶۱۷م. پرداخـت یـک صـد تومان به عنوان پیشکش را می‌پذیرد.[۶]

۶ـ حل اختلاف بین خلیفه اوچ کلیسا و خلیفه کلیساهای دیگر: حاکمیت کلیسا بر آبادی‌ها، می‌توانست بر میزان درآمد و توانایی اقتصادی کلیسا و خلیفه مؤثر باشد. از این‌رو، گـاهی

---

۱. همان ص۶۰۶ـ۶۰۵.

۲. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۱، ص۲۷۹ـ۲۷۸.

۳. کستیکیان، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ص۶۹۶.

۴. همان، ص۴۷۹.

۵. همان، ج۳، ص۶۳۸ـ۶۳۷.

۶. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، ص۴۸۷.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

دو کلیسا مدعی حاکمیت مذهبی یک آبادی و یا منطقه می‌شدند که از نظر اقتصادی یا اجتماعی غنی بود. بدین ترتیب، زمانی که بین خلیفه «بیدروس گندسری» مسیحی با خلیفه اوچ کلیسا، درباره خلیفگی و ریش سفیدی ارمنی‌های گنجه، قراباغ و شیروان، اختلاف افتاد؛ در این زمان حکومت صفوی و در رأس آن شاه بود که با صدور فرمانی، به اختلاف بین آنان پایان داد.[۱]

۷ـ احترام به آراء مردم در باب تعیین خلیفه: گاهی اعلام رسمی و کتبی رضایت مردم ارمنی مناطق ارمنی‌نشین از خلیفه، موجب بقاء خلیفه می‌شد. به‌ویژه زمانی که با مرگ شاهِ صفوی، پسر و جانشین او به سریر قدرت دست می‌یافت.[۲] پادشاه صفوی در فرمان دیگری، ضمن معرفی و تأیید ملک ارمنی، آنان را به حسن سلوک با مردم توصیه می‌کند تا هم دعاگوی شاه صفوی باشند و هم در عمران و آبادی منطقه، کوشش کنند و سبب افزایش درآمد منطقه و دربار شوند.[۳]

ب ـ مذهبی:

فرامین ماتناداران، مصادیق و موارد زیادی را به عنوان الگو و شاهد تاریخی در امور مذهب و مناسبات مذهبی به‌دست می‌دهند که حکایت از ارتباط تنگاتنگ سیاست و مذهب در امور مختلف جامعه ارمنی تلقی می‌شود. این مناسبات را می‌توان هم در روابط بین اقلیت ارمنی و هم در روابط آنان با مسلمانان و همچنین با حکومت مورد توجه قرار داد.

۱ـ آزادی اعمال مذهبی و عدم دخالت حکمرانان محلی در امور اوچ کلیسا، وانک‌ها و دیرها: فرمان ۱۱۲۲ق. نشان می‌دهد مطابق عرف عصر صفوی، بیگلربیگی، تیول‌داران و همه‌ی ساله‌داران نه پیش از این، در امور کلیساهای ارمنستان ایران دخالتی می‌کردند و نه مانع از اعمال مذهبی آنان می‌شدند. در ادامه این فرمان، از کارگزاران محلی خواسته شده است تا باز مطابق سنت رایج، عمل کنند و از دخالت در امور کلیسای ارمنی خودداری

---

۱. کستیکیان، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ص۴۳۰.

۲. همان، ص۶۲۴.

۳. همان، ص۷۰۰.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

کنند.[۱] همچنین اگر بین اقلیت ارمنی دعوی یا گفتگوی شرعی مطرح می‌شد، برای حل اختلاف و قضاوت می‌توانستند به کشیشان خود رجوع کنند، و به مسلمانان توصیه شده بود در این باب، نه دخالتی در امور اقلیت ارمنی داشته باشند و نه مزاحمتی برای آنان ایجاد کنند.[۲]

۲ـ ساخت و تعمیر کلیساها و وانک‌ها: هویت قومی و ملی اقلیت ارمنی، در گرو پایداری آنان به دین آباء و اجدادی و نمادهای مذهبی آن، از جمله کلیسا است. حفظ و نگهداری کلیساها و وانک‌ها، یکی از دغدغه‌های عمده‌ی جامعه‌ی ارمنی بود. از تعاملات ضروری آنان، حمایت حکومت در راستای تعمیر، بازسازی و گاهی نوسازی کلیساهای قدیم یا بناهای مذهبی پیشین یا تأسیس کلیسای جدید بود که باید با صدور فرمان رسمی از طرف حکومت صفوی انجام می‌شد.

فرمان ۱۰۵۵ق./۱۶۴۵م. شاه عباس دوم اجازه می‌دهد تا هر کلیسایی که از قدیم آباد بوده و در این مدت خراب شده است، خلیفه بتواند تعمیر کند و فعال باشد.[۳] اگر چه عمده‌ی ویرانی و خرابی کلیساها و آبادی‌های ارمنی‌نشین، نتیجه‌ی تهاجم سپاه عثمانی و ایران به این منطقه بود؛ ولی گاهی نیز این کلیساها در اثر زلزله خراب می‌شدند یا خسارت زیادی می‌دیدند. اگر چه منابع تاریخی در بیان وقایع، اغراق کرده‌اند، ولی از قلم مورخان مغفول نمانده است. چنان‌که آمده است؛ از اتفاقات زمان شاه عباس، خراب شدن کلیسای لوری و منسک به سال ۱۰۶۵ق. بود، که سنگ‌های آن تا مسافت نیم فرسنگ پرتاب شده بودند. مسلمانان، ویران شدن کلیسای مزبور را آیتی از آیات خداوندی می‌دانستند که در نتیجه‌ی پاسداری شریعت توسط اعلیحضرت ظل‌اللهی چنین اتفاقی افتاده است.[۴] بیشتر فرامین سال‌های ۹ـ۱۰۷۸ق. نیز درباره‌ی تعمیر کلیساها و وانک‌ها است.[۵]

---

۱. همان، ص۶۷۶

۲. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، ص۵۶۰.

۳. همان، ص۵۲۷.

۴. محمدطاهر وحید قزوینی، (۱۳۲۹)، *عباسنامه یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی*، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی، ص۲۱۷ـ۲۱۶.

۵. کستیکیان، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ص۵۱۸ـ۵۱۳.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

۴ـ نذر شاه صفوی به کلیسای ارمنی: ارمنی‌ها، نه تنها در اوج قدرت صفویه به شاهان صفوی توجه داشتند و از نظام سیاسی آنان حمایت می‌کردند، بلکه به هنگام حمله‌ی افاغنه نیز نسبت به شاهان صفوی ارادت و مودت نشان داده‌اند. شاه طهماسب صفوی پس از پیروزی در جنگ، نذوراتی را برای کلیسای ارمنی فرستاد و تأکید کرد حتماً برای کلیسا هزینه شود. او ضمن تأیید خلیفه اوچ کلیسا، از رعایای ارمنی درخواست کرد از «سخن و صلاح حسابی او که مقرون به صلاح دولت» است سر پیچی نکنند.[۱] البته این موضوع، هر چند خاص است ولی استثنا نیست و در مواردی نیز سفرنامه‌نویسان از نذر مسلمانان به وانک‌ها و کلیساهای مشهور ارمنی خبر می‌دهند؛ چنان‌که تاورنیه از نذر مسلمانان به کلیسای «کیشوک» خبر می‌دهد که در سرحد سرزمین کردستان قرار داشت. وی می‌نویسد: «اغلب مسلمانان نیز برای این کلیسا نذورات می‌آوردند به‌ویژه آنهایی که تب داشتند».[۲]

۵ـ رخصت برای سفر خارج از کشور خلیفه ارمنی: اگرچه احکام و فرامین لازم برای آزادی سفر ارمنی‌ها در داخل ایران جنبه عمومی داشت و قشرهای متفاوت مذهبی و اقتصادی ارمنی می‌توانستند با آزادی تمام، سفر کنند؛ ولی به نظر می‌رسد برای سفر خارج از کشور خلیفه، اجازه شاه لازم بود. آنتونیو دوگوا، در زمان بازگشت از ایران، از شاه عباس می‌خواهد تا به خلیفه ارمنی اجازه دهد که همراه او به خدمت پاپ برود. شاه عباس در جواب می‌گوید: «من به همه عیسویان آزادی داده‌ام و اگر او خودش راضی باشد، ممانعتی وجود ندارد. همچنین اظهار تمایل کرده بود پاپ، کشیشی والا مقام ارسال کند تا خلیفه همه ی عیسویان ایران باشد».[۳] علاوه بر این، لازم بود خلیفه‌های ارمنی برای زیارت در خارج از قلمروی ایران، از حکومت مرکزی اجازه بگیرند و شاه عباس دوم نیز با بیان تعیین جانشین برای خود، با سفر زیارت او موافقت کرد.[۴]

---

۱. همان، ص۷۰۲.

۲. تاورنیه، (۱۳۶۳)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، به کوشش حمید شیروانی، اصفهان: کتابفروشی تایید، ص۵۷.

۳. نصرالله فلسفی، (۱۳۴۲)، *سیاست خارجی ایران در دوران صفویه*، تهران: کتاب‌های جیبی، ص۶۹.

۴. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، ص۵۵۴.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

ج ـ اقتصادی:

همه گزارش‌های تاریخی حکایت دارند که ارمنی‌ها به امور اقتصادی توجه زیادی داشتند و بیشتر در بخش تجارت، فعالیت می‌کردند. این درحالی است که شاردن، ایروان را ایالات بسیار مهم و پردرآمد ایران معرفی می‌کند که هرسال ۳۲۰۰۰ تومان درآمد آن بود. علاوه بر این، از طریق جرایم، غرامات و هدایا نیز درآمد زیادی به دست می‌آورد. این موقعیت، سبب شده بود حکمران ایروان، ثروتمندترین شخصیت در ایران به شمار آید.[۱] در این مجموعه سه جلدی، مصادیق و موارد گوناگونی در ارتباط با انواع فعالیت‌های اقتصادی ارامنه دیده می‌شود:

۱ـ توجه به تجار ارمنی: گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد انجام شرایط ذمه، از جمله مواردی بود که فرد ارمنی می‌توانست بر دین خویش استوار بماند، ضمن این‌که مردم ارمنی، قومی تجارت مسلک بودند و به‌خاطر شغل خود همواره از منطقه‌ای به منطقه دیگر یا از شهری به شهر دیگر، در سفر و تجارت بودند. لذا وقتی به محل جدید وارد می‌شدند و در آنجا به فعالیت بازرگانی و خرید و فروش مشغول می‌شدند، نباید آنان را مجبور به تغییر دین کنند. نکته قابل تأمّل این است که همواره چنین فرمانی مستند به فتوای علما صادر می‌شد.[۲]

۲ـ ممانعت از ضرر و زیان مسلمانان به آبادی و مزارع ارمنی به هنگام کوچ: از آنجائی‌که ارمنی‌ها دارای شمّ اقتصادی بودند با دقت خاصی، امور اقتصادی جامعه ارمنی مورد توجه بود. حکومت صفوی نیز با توجه به این ویژگی، تجار ارمنی، نظارت و حساسیت زیادی در باب امور اقتصادی آنان نشان می‌داد. فرمان ۱۰۷۸ق. شاه سلیمان، نشان می‌دهد «مردم خلفانلو» به هنگام عبور از محله «گله برد» از توابع قپان، خسارت و نقصان زیادی به مردم محل وارد کرده بودند و آنان با عرض شکایت به دربار صفوی، فرمانی خطاب به بیگلربیگی آذربایجان گرفته بودند تا ضمن رسیدگی به درخواست مردم

---

۱. شاردن، (۱۳۴۹)، *سیاحتنامه شاردن*، ج۲، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ص۱۳۱۴ـ۱۳۱۲.

۲. همان، ص۵۱۷.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

ارمنی، از تکرار آن جلوگیری شود.[۱] این در حالی است که گاهی کوچندگان به زور، اموال، اجناس و چارپایان مردم را تصرف کرده با خود می‌بردند؛ در یکی از اسناد، از طوائفی که در این زمینه، موجب نقصان و ضرر و زیان ساکنین محال می‌شدند نام برده است که این طوایف عبارتند از: جوانشیر، اتوزیکی، کنگرلو، شروانشاه‌لو، حاجیلو، خواجه ابواسحاقلو، اکراد قراچورلو، پسیان و تراکمه قراباغ.[۲] و فرمانی دیگر، تراکمه را از نزول در محال و مزارع ارمنی و استفاده از زمین‌های آنان باز می‌دارد.[۳]

۳ـ رسیدگی به اموال تصرف شده کلیسا و رعایای ارمنی: طبق فرمانی، دستور داده شده است تا کسانی‌که به حیله یا به زور، اموال منقول و غیر منقول کلیسا، وانک یا رعایای ارمنی را تصرف کرده‌اند، مورد بررسی قرار دهند و طبق قوانین شریعت غرّا به شکایت آنان در این زمینه رسیدگی نمایند.[۴]

۴ـ رعایت و تقدم حق استفاده از آب رودخانه: کمبود آب و استفاده از آب‌های سطحی، یکی از موارد و مصادیقی است که همواره در قلمروی ایران، سبب اختلاف و درگیری بین مردم، آبادی‌های مختلف و حتی در اقوام مختلف بوده است. در قلمروی ارمنستان نیز این مشکل، به‌طور مکرر دیده شده است و در همین راستا، نه تنها خلیفه‌های ارمنی و کشیشان محلی عرض‌داشت،[۵] به دربار صفوی ارسال کرده‌اند، بلکه در موارد متعدد، محتوای فرامین شاهان صفوی نیز در راستای حل این نوع اختلاف‌ها، صادر شده است. از جمله استفاده از «حق آبه» رودخانه روستای «ارکوین»[۶] یا نهری است که با کمک اوچ کلیسا، از منطقه‌ی قارص برای آبیاری زمین‌های منطقه کرُپی احداث کرده بودند.[۷]

---

۱. همان، ص۵۹۶.

۲. همان، ص۴۸۹.

۳. همان، ص۶۷۱.

۴. همان، ص۶۲۱ـ۶۲۰.

۵. درخواست.

۶. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۱، ص۲۷۵.

۷. همان، ج۲، ص۵۵۲.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

۵ ـ حق طالبانه کلیسا: غالباً دفاتر دولتی بازمانده از عصر صفوی، به مناسبات حکومت با مردم می‌پردازد و در واقع، ساز و کار اداری نظام سیاسی و اقتصادی دولت صفوی را نشان می‌دهند. اگر چه بیشتر این دفاتر و اسناد از بین رفته و فقط کلیتی از آن باقی مانده است که در مجموعه‌ای به نام *سازمان اداری حکومت صفوی* به اهتمام مینورسکی در اختیار محققین قرار گرفته است، اما از مناسبات جزئی و طوایف و قبائل یا مناسبات درونی دیگر مذاهب، اطلاعات زیادی در اختیار نداریم. فرمان شاه صفی در ۱۰۴۴ق. نشان می‌دهد که رعایای ارمنی همه ساله، مبلغی به عنوان «حق طالبانه» به کلیسای ارمنی می‌پرداختند و یکی از منابع درآمد کلیسا هم به شمار می‌آمد. گاهی خلیفه‌های چند کلیسا برای دریافت حق طالبانه چند آبادی، با هم اختلاف پیدا می‌کردند که با حکم شاه صفوی با تأکید بر مناسبات سال‌های پیشین و سنت متداول، حل و فصل می‌شد.[۱]

۶ـ موقوفات جامعه ارمنی: وقف، یکی از سنت‌های رایج در فرهنگ این مرز و بوم بوده است که هم عملی مذهبی تلقی می‌شود و هم امری اقتصادی به شمار می‌آید. این اقدام، اگر چه بیشتر انگیزه مذهبی دارد ولی پیامدهای اقتصادی آن غالباً مورد توجه است. از این‌رو، مضامین وقفی فرامین، در بعد اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های فرمان شاهان صفوی در باب وقف و امور مذهبی، این است که چنین فرامینی مبتنی و متکی بر فتوای علمای دین اسلام و مذهب اثنی‌عشری است. با آن‌که زمین‌ها، توسط ارمنی‌ها به کلیسا، وانک و دیرهای مسیحی وقف شده بودند، ولی شرایط و ضوابط حفظ حرمت آنها مبتنی بر قوانین و مقررات اسلامی بود. فرمان ۱۰۲۲ق./۱۶۱۲م. شاه عباس اول، مردم را از هرگونه تعرض به اموال و زمین‌های وقفی اوچ کلیسا باز می‌دارد و تأکید می‌کند بیگلربیگی «چخور سعد»، از هرگونه تعرض و یا خرید و فروش آنها جلوگیری کند و طبق فتوای علمای اسلام عمل کند.[۲] در حاشیه‌ی فرمان ۱۰۵۴ق. با تأیید مهر صدر، حکام شرع را به احتیاط بیشتر در باب زمین‌های وقفی اوچ کلیسا توصیه می‌کند و در انتها، آنان را به این موضوع توجه می‌دهد: «اگر در باب اهل اسلام غفلت شود باعث

---

۱. همان، ص۵۰۹.

۲. همان، ص۴۸۴.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

بی‌اعتقادی ایشان به آن شخص می‌شود و نه بـه دیـن و در بـاب کفـار و مخـالفین باعـث بی‌اعتقادی بدین مبین و شرع قویم می‌شود.»[۱]

با آن‌که وقف غالباً در بین جامعه ارمنی نیز امری رایـج و متـداول بـود، امـا در دوره پایانی حکومت صفویه، این اقدام مردمی و مذهبی بیشتر مورد توجه بـوده اسـت، زیـرا در این دوره، مرسوم بود اگر فرد ارمنی تغییر دین داده و مسلمان می‌شد و دیگر افراد خانواده از او تبعیت نمی‌کردند؛ تمام ثروت خانواده مسیحی به فرد مسلمان تعلق می‌یافت.[۲] چنـین قوانین رایج و متداولی، انگیزه‌ای بود تا رعایای ارمنی برای رسیدن به منـافع مـادی تغییـر کیش دهند،[۳] در این زمان، اقلیت ارمنی برای فرار از این قانون، اموال خود را وقف کلیسـا و وانک می‌کردند تا از تصاحب، توسط ارمنی جدیدالاسلام ممانعت شود.[۴]

د ـ اجتماعی:

مباحث و مناسبات اجتماعی در یک جامعه، از تنوع و گوناگونی زیادی برخوردار است؛ با وجود این، گزارش‌های تاریخی در باب مسائل اجتماعی، کافی و گویا نبوده اسـت. غالبـاً محققان تاریخ و پژوهشگران تاریخ اجتماعی، به صورت پازل‌گونه، برش‌هـایی از لابـلای داده‌های متون مختلف را کنار هم قرار می‌دهند تا تصویر مناسبی را ترسیم نماینـد. تـاریخ اجتماعی جامعه‌ی ارمنی نیز از این کمبود رنج می‌برد، اما با تأمل در این فرامین، می‌تـوان گوشه‌هایی از اوضاع اجتماعی درونی جماعت ارمنی و یا اقوام و خاندان‌های مجاور آنـان را به تصویر کشید. از جمله کاربرد اجتماعی این فرامین، می‌توان به موضوعات زیر اشـاره کرد:

۱ـآمار کشیشان و تابعان اوچ کلیسا: فرمان ۱۰۷۸ق. شاه سلیمان، نشان مـی‌دهـد تعـداد کشیشان خلیفه اوچ کلیسا و افراد تابع آن و وابستگان نزدیک، حدود چهارصد پانصد نفـر

---

۱. همان، ص۵۱۹.

۲. سانسون، (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون؛ وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی*، ترجمه تقی تفضلی، تهران: این سینا، ص۲۲۸.

۳. جملی کارری، (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی، تهران: کارنگ و علمـی و فرهنگی، ص۱۲۹.

۴. همان، ص۲۲۵.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

بودند.[۱] در فرمان ۱۱۱۲ق. شاه سلطان حسین، از انتقال پانزده خانوار ارمنی از درّه شام به قریه یزدآباد یاد کرده است. در این فرمان، علاوه بر بیان نام خانواده‌ها، قوانین و قواعد کوچ و جابجایی را توضیح می‌دهد که به عنوان عرف یا رویه حقوقی و اجتماعی، مورد قبول بوده است. بر مبنای مقررات اجتماعی، جابجایی اقوام کوچ داده شده کمتر از ۱۲ سال، مشروط به پرداخت مال و حقوق دیوانی مجاز است؛ اما پس از ۱۲ سال، به هیچ وجه امکان جابجایی وجود نخواهد داشت.[۲]

۲ـ تأثیرات اجتماعی تهاجم عثمانی: اگر چه تهاجم عثمانی، یک اقدام سیاسی و نظامی بود و بیشتر مورخان نیز آن را از منظر سیاسی و نظامی مورد بررسی قرار داده‌اند و غالباً به کشتار مردم منطقه بسنده کرده‌اند، اما پیامدهای اجتماعی متفاوت دیگری نیز به همراه داشت که به علت سکوت منابع، کمتر مورد توجه پژوهشگران تاریخ قرار گرفته است. موارد و مصادیقی از تأثیرات اجتماعی و بقایای جنگ و گریز آنها به‌صورت تلگرافی، در فرامین عصر صفوی آمده است که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

۲ـ۱ـ جابجایی اقوام

یکی از تحولات اجتماعی عصر صفوی، جابجایی اقوام است که در پی سیاست «زمین سوخته» شاهان صفوی، انجام می‌شد. گاهی این انتقال و جابجایی، با سیاست‌های کوچ اجباری شاهان صفوی صورت می‌گرفت و گاهی نیز در نتیجه ی تهاجم عثمانی، گروهی از ساکنین ارمنی از خانه و دیار خود کوچ می‌کردند. در زمان عقب‌نشینی، شاه عباس در ۱۰۱۳ق. فرمانی صادر کرد که در نتیجه‌ی این کوچ‌ها، مناطق ارمنی‌نشین خالی از جمعیت می‌شد و پس از مدتی ترکمانان در این آبادی‌ها، سکنی می‌گرفتند و از اسکان و اقامت رعایای ارمنی در این آبادی‌ها و مناطق، جلوگیری می‌کردند.[۳]

۲ـ۲ـ مزاحمت مقررات زمان اشغال سپاه عثمانی

مقررات و قواعدی که در عصر حاکمیت عثمانی، بر مناطق ارمنی‌نشین رایج بود با بازپس گیری این سرزمین‌ها توسط شاه عباس اول، هنوز به قوت خود باقی بود. به نظر می‌رسد

---

۱. کستیکیان، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ص۵۵۷.

۲. همان، ص۶۶۱.

۳. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، ص۵۵۶ـ۵۵۵.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

منافع گروه‌های ذی‌نفع در عصر عثمانی، با منافع گروه‌هایی که مورد توجه شاه عباس بود در تعارض بود و همین امر، سبب ایجاد اختلاف و ادعای گروه‌های متعارض ارمنی می‌شد. چنان‌که از فرمان ۱۰۱۷ق./۱۶۰۹م. شاه عباس اول بر می‌آید، گروهی هنوز براساس مقررات عصر حاکمیت عثمانی، متعرّض ملکان از جمله «ملک هکلس گشتاسفی» می‌شدند و در فرمانی در این راستا، می‌گوید: «مقرر فرمودیم که هیچ آفریده به علت قضایایی که در ایام رومیّه شومیه واقع شده باشد متعرض احوال ملک مزبور نشده مزاحمت بحال او نرساند و از تمرد که موجب سیاست است اندیشه نماید».[۱]

۳ـ تکمیل تاریخ اجتماعی و تأیید گزارش سفرنامه‌ها

یکی از مشکلات تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران، عدم وجود اطلاعات مفید از طبقات و قشرهای اجتماعی مختلف و مناسبات اجتماعی و اقتصادی و قضائی بین مردم ایران از هر قشر، رنگ، نژاد، دین و مذهب و... است. چنین خلایی سبب شده است تا تصاویر درستی از مناسبات اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مردم ایران در ادوار مختلف نداشته باشیم. این در حالی است که گاهی در سفرنامه‌ها، گزارش‌هایی آمده است که با گذر زمان، بسیاری از علایق و سلایق شخصی و اجتماعی منسوخ شده‌اند. لذا از نظر پژوهشگر تاریخ یا خواننده‌ی تاریخ، غیر معمول و دور از ذهن می‌نماید و از پذیرش آنها خودداری می‌شود. این گونه گزارش‌ها را در بسیاری موارد، به تعصب سفرنامه‌نویسان و غرض‌ورزی آنان نسبت می‌دهند. گاهی با تطبیق این فرامین با گزارش‌های سفرنامه‌ها، می‌توان به وقوع آنها یا تحقق این رخدادهای اجتماعی و مذهبی آگاهی یافت. از جمله ی این نوع گزارش‌ها، خبری است که در باب قسم دادن یک ارمنی در نخجوان، در سفرنامه سانسون آمده است: «یک زندیق[۲] از مرد مسیحی دو هزار اکو مطالبه می‌کرد و ادعا می‌نمود که این مبلغ را بدون آنکه از او سند و نوشته‌ای دریافت کند از روی حسن نیّت به آن مرد مسیحی قرض داده است. چون آن زندیق برای اثبات خود شهودی نداشت مرد مسیحی را به قسم خوردن

---

۱. همان، ص۴۸۱.

۲. نویسنده‌ی سفرنامه که مبلغی مسیحی و متعصب است، فرد مسلمان را زندیق خوانده است.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

وادار کرد، به این ترتیب که آن بیچاره را در حالی که جمعی از مسلمانان بدنبالش افتاده بودند به کلیسا آورد، از در ورودی کلیسا تا جلوی محراب بزرگ کلیسا را با نان فرش کرده بودند، دو سگ را در زیر بغل مرد مسیحی گذاشته بودند و او ناچار آنها را زیر بغل گرفته بود. او را از روی نانها عبور دادند و با چنین وضع و حالی دست آن مرد مسیحی را روی انجیل گذاشتند و پس از آنکه هزاران فحش و ناسزا به او گفتند و به او نفرین‌ها کردند آن بیچاره را به قسم خوردن واداشتند».[۱]

حال، این امر مقایسه شود با فرمانی که به سال ۱۰۴۹ق./۱۶۳۹م. در زمان شاه صفی، صادر شده است. این فرمان، در دو قسمت تهیه شده است. به نظر می‌رسد قسمت دوم، نظری بوده است که توسط علما صادر شده است و قسمت اول، با استناد به قسمت دوم و در تأکید و تأیید آن می‌باشد. از این‌رو، تاریخ صدور قسمت دوم باید پیش از قسمت اول باشد. بنابراین ابتدا قسمت دوم و بعد بخشی از قسمت اول ذکر خواهد شد: «چون معروض شد که جمعی از مسلمانان را که با ارامنه و اهل ذّمه دعوی و گفتگوی شرعی واقع می‌شود و موافق شرع شریف قسم متوجه ارامنه و اهل ذمه می‌سازند تکلیف ناسزا گفتن به حضرت و انجیل بر مازوارات (قازورات) انداختن و سگ بچه بدندان گرفتن و دین و ملت خود فطرات فروختن و غیره اعمال شنیعه غیرمشروعه می‌نمایند چون موافق شرع شریف قسم بذات و صفاته العظمی است و این تکالیف خلاف قانون شریعت مطهره است. بنابراین مقرر شد که هر کس از مسلمانان را که با ارامنه و اهل ذمه گفتگو و دعوی شرعی باشد و قسم متوجه جماعت مزبوره شود ایشان را بذات الله و صفاته موافق کیش و ملت نصارا به انجیل قسم داده تکالیف غیر مشروعه ننمایند.»[۲] در ابتدای این فرمان نیز شاه صفی آورده است: «بعهده حکام شرع و عرف هر محل که حسب الضمن معمول و مرتب داشته نگذارند که احدی تکلیف قسم بنهجی که در شریعت مقدسه مقرر نیست به جماعت مذکور نمایند. ...»[۳]

---

۱. *سفرنامه سانسون...*، ص۲۲۶ ـ۲۲۵.

۲. پاپازیان، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، ص۵۱۴.

۳. همان، ص۵۱۲.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

نتیجه

فرامین فارسی ماتنادران، از ابعاد مختلف قابل مطالعه و طبقه‌بندی هستند. با مطالعه این داده‌های تاریخی و فرایند ذهنی و فکری متقاضیان و صادر کنندگان این فرامین، می‌توان بر کیفیت و چگونگی نظام سیاسی عصر صفوی دریچه‌ای جدید گشود. از محتوای اسناد و فرامین، می‌توان دریافت که حکومت صفویه نه تنها بر مناسبات مذهبی روحانیون شیعی و جامعه اسلامی تسلط مطلقه داشت، بلکه دستورات و احکام آن بر ساختار مذهبی جامعه ارمنی نیز بطور تام و تمام ساری و جاری بود. علاوه بر این، می‌توان دریافت که محتوی و تعدد فرامین در دوره حکومت هر یک از شاهان صفوی، فقط متأثر از طول دوران حکومت آنان نبوده است، بلکه تغییر و تحولات نظام اداری، میزان تمرکز قدرت مرکزی، نوع روابط حکومت با علمای اسلام، تهاجم عثمانی و یا تحولات طبیعی و... هر یک به نوبه خود بر نوع مطالبات جامعه ارمنی و همچنین تعداد فرامین ارائه شده، مؤثر بوده است. چنان‌که پیامد تهاجم عثمانی و یا زلزله، خرابی کلیسا یا کوچ اجباری اقوام و طوایف بود. لازمه ی این امر، بازگشت به شرایط سابق و ایجاد ثبات سیاسی و اجتماعی، دخالت حکومت در امور رعایای ارمنی از طریق صدور احکام بود. ضمن این‌که برقراری امنیت، برای تجار ارمنی در قلمروی ممالک محروسه ایران نیز نیاز به صدور فرامین مکرر داشت.

فرار رعایای ارمنی از پرداخت حق مالکانه زمین‌های وقفی کلیسا و همچنین ادعای برخی افراد برای خلیفه‌گری کلیسا امری بود که غالباً پس از فوت هر خلیفه، اتفاق می‌افتاد و عموماً با صدور احکام حکومت مرکزی پایان می‌یافت. اگر پیامد تغییر مذهب اقلیت ارمنی و مشکلات ورّاث جدیدالاسلام در خانوده آنان را به عوامل فوق اضافه کنیم، خواهیم دید که دایره‌ی شمول و مصادیق این فرامین، چقدر وسیع و فراگیر بوده است. در موارد متعدد نیز دیده شده است وقتی مطالبات مردم جنبه مذهبی و دینی داشت همواره متکی و مشروط به فتوای علمای امامیه بوده است، امری که در فرامین پیش از صفویه و پس از آن غالباً دیده نمی‌شود و یا کمتر دیده شده است. بنابراین در هم تنیدگی عرصه‌های مختلف زندگی در این فرامین، چنان آشکار است که می‌توان ابعاد مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و حتی فرهنگی مردم ارمنستان شرقی را به تصویر کشید.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

بازتاب مشکلات و موضوعات مختلف در این فرامین، در صورتی که مشابه یا همخوان با گزارش سفرنامه‌ها باشد، می‌تواند اعتماد و اعتبار لازم برای استفاده و استناد به این نوع منابع را محقق نماید و به‌طور کلی سطح آگاهی پژوهشگران تاریخ اجتماعی، اقتصادی جامعه ارمنی را ارتقا دهد و مستندات تاریخی را تقویت کند.

اگرچه خاستگاه و انگیزه بیشتر این فرمان‌ها و احکام سیاسی، در ارتباط با تحکیم حاکمیت سیاسی دولت صفوی بوده است؛ اما با گذشت فرمان، ارزش تاریخی و پژوهشی این فرامین بر اهمیت سیاسی آن غلبه یافته است و امروزه برای بازخوانی عصر صفوی از جمله منابع مفید و بسیار ضروری به شمار می‌آیند.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آرام، محمدباقر، «فرامین فارسی ماتنا داران (بخشی از اسناد صفویان در مورد ارمنستان)» فصلنامه علمی ـ تخصصی تاریخ، س۱، ش۳، ۱۳۸۵.

ـ آنجوللو، (۱۳۸۱)، *سفرنامه‌های ونیزیان درایران(سفرنامه آنجوللو)*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

ـ بایبوردیان، واهان، (۱۳۷۵)، *نقش ارامنه ایرانی در تجارت بین المللی تا پایان سده ۱۷م*، ترجمه گرمانیک، تهران: ناشر مولف.

ـ پاپازیان، اج. (۱۹۵۶)، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۱، ایروان: آکادمی علوم ارمنستان.

ـ ــــــــــ ، (۱۹۵۹)، *متن فرامین فارسی (ماتنا داران)*، ج۲، ایروان: آکادمی علوم ارمنستان.

ـ پورمحمدی املشی، نصراله، «ارمنستان از فراز اسناد»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س۵، ش۱۳۷، ۱۳۸۸.

ـ تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۶۳)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، به کوشش حمید شیروانی، اصفهان: کتابفروشی تایید.

ـ سانسون، مارتین، (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی*، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

ـ شاردن، ژان، (۱۳۴۹)، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمدعباسی، تهران: امیرکبیر.

ـ *فلسفی، نصرالله*، (۱۳۴۲)، *سیاست خارجی ایران در دوران صفویه، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.*

ـ کارری، جملی، (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی، تهران: کارنگ و علمی و فرهنگی.

ـ کستیکیان، ک. پ. (۲۰۰۸)، *متن فرامین فارسی*، ج۴، ایروان: نائیری.

ـ ــــــــــ ، (۲۰۰۵)، *متن فرامین فارسی*، ج۳، ایروان: نائیری.

ـ وحید قزوینی، محمدطاهر، (۱۳۲۹)، *عباسنامه یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی*، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-20]